

## دکتر ارانى

# قربانى بزرگ، تيفوس

## فاشيسم در ايران

رضا روستا

### زندگى دکتر تقى ارانى يکى از درخشان ترين چهره‌هاى انقلابى معاصر ميهن ما

دکتر تقى ارانى از مارکسيست - لنيست هاى نامى ايران و يکى از درخشانترين چهره انقلابى معاصر ميهن ماست. او دانشمندی معروف و مرد انقلابى پر شورى بود. دکتر ارانى در ۵ سپتامبر ۱۹۰۲ در تبريز متولد شد. از سن ۱۴ سالگى به همراهى پدرش که کارمند وزارت دارائى بود به تهران منتقل گرديد و در مدرسه شرق تهران و سپس در دارالفنون مشغول تحصيل شد. پس از اتمام تحصيلات متوسطه در سال ۱۹۲۰ وارد دانشکده طب تهران گرديد و در سال ۱۹۲۲ براى ادامه تحصيل به اروپا مسافرت کرد. در برلن در رشته علوم طبيعى فزيک و شيمي به تحصيل پرداخت.

دکتر ارانى در آلمان ضمن کار در مطبعه کاويانى به تحصيلات خود ادامه داد. در اين دوره است که دکتر ارانى با مارکسيسم- لنيست آشنا مى شود. بخصوص شرکت فعال وى در سازمان ايرانيان مقيم آلمان و اروپا عليه ديکتاتورى رضاشاه و همکارى نزديک وى با کمونيست هاى ايرانى مانند **مرتضى علوى**، نيك بين، سلطان زاده و غيره نقش قاطعى در زندگاني آینده او داشته است. دکتر تقى ارانى مردى باهوش، پرکار، عميق، مبارز و خوش خلق بود. او علاوه بر زبانهاى آذربايجانى، فارسى، عربى به زبانهاى آلمانى، فرانسه و انگليسى احاطه داشت.

دکتر ارانى داراى يک سلسله تالیفات ذقيمت است مانند اصول فلسفه مادى، علوم دقيقه ماترياليسم ديالکتیک، پسيکولوژى، بيولوژى، فزيک و شيمي، رياضى و نيز کتاب بشر از نظر مادى و غيره. دکتر تقى ارانى پس از دفاع از تز دکترای خود در سال ۱۹۲۸ در دانشگاه برلن به تدریس السنه فارسى، عربى و ترکى پرداخت. در اين دوره چندین کتاب کلاسيک فارسى و عربى را استنساخ کرد و تدريجا آنها را در آلمان به چاپ رساند. مانند بدایع سعدى، رباعیات عمرخيام، سفرنامه ناصرخسرو و علوى و غيره و نيز دکتر ارانى در روزنامه **پیکار** ارگان حزب کمونيست ايران شرکت داشت.

دکتر ارانى در سال ۱۹۳۰ به ايران مراجعت کرد و شروع به فعاليت نمود و به مبلغ بزرگ مارکسيسم- لنيست در ايران مبدل شد و حزب کمونيست ايران را احیاء نمود و در عين حال محافل تيم علنى مارکسيستى را براى تنوير افکار دانشجويان تشکيل داد و گروه معروف ۵۳ نفر را رهبرى و اداره نمود.

دکتر تقى ارانى براى اولين بار در سال ۱۹۳۴ با نشر مجله دنيا به انتشار منظم افکار مارکسيستى مبادرت نمود. در عين حال به تدریس علوم طبيعى، فزيک و شيمي در دبیرستان هاى تهران مشغول شد. دکتر ارانى ترويج افکار مارکسيسم- لنيست را با روشى درست و با ارتباط نزديک با واقعات از پيش مى برد. مجله دنيا از تشریح مبانى فلسفه ماترياليستى و مارکسيستى آغاز کرد و متدرجا اصول ديالکتیک را تشریح و ترويج نمود.

فعاليت دکتر ارانى تا سال ۱۳۱۶ که بدست دژخيمان رضاشاهى گرفتار مى شود، دوره درخشان و برجسته ترويج و تبليغ مارکسيسم در دوان وحشت و استبداد رضاشاهى است.

انتشار بیانیه به مناسبت اول ماه مه، آن هم در زندان که در آن جنگ بین المللی دوم را پیشبینی کرده و مردم ایران را به تشکیل جبهه واحد مبارزه علیه فاشیسم و ارتجاع دعوت کرده از شاهکارهای دورانیش دکتر ارانی است.

مضمون این بیانیه در تاریخ تایید و تصدیق گردید. بیانیه اول ماه مه مقصد و نقشه ارتجاع بین المللی را در تدارک جنگ علیه اتحاد شوروی یگانه کشور سازنده سوسیالیسم در آن زمان افشاء نمود.

در بیانیه چنین نوشته شده است: فاشیسم مهمترین جرعه اشتعال جنگ خونین جدید است. فاشیسم بزرگترین دشمن صلح و آزادی جهان است.

دکتر ارانی ریشه های اصلی عواملی را که از لحاظ داخلی و خارجی موجب محاکمه گروه ۵۳ نفر گردیده تحلیل و تجزیه نموده و مقام تاریخی دادگاه را مشخص گردانید. دکتر ارانی هیئت حاکمه و ارتجاع ایران را در دادگاه محکوم ساخت و با کمال شهامت دیکتاتوری هیتلری را "ارتجاع موقت" نامید.

دکتر ارانی در محکمه ثابت کرد که قانون اساسی ما ناقص و قانون ارتجاعی ۱۳۱۰ (۱۹۳۱) که وضع آن "سیر قهقرائی" است. دکتر ارانی پس از انتقاد از قوانین ارتجاعی موجود چنین گفت:

"فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده ها باشد."

مطالعه دقیق دفاعیه کامل دکتر ارانی بر همه شیفتگان آزادی و مبارزان نهضت کارگری لازم و قرض است.

اینجانب برای اولین بار با دکتر ارانی در زنان موقت شهربانی تهران آشنا شدم و تماس گرفتم. در توقیفگاه کریدور ۴ سلولی بود کثیف و تاریک و سرد. متهمین سیاسی را در آن سلول برای گرفتن اعتراف می بردند، شکنجه و عذاب می دادند و عریان نگاه می داشتند. مرا به اتهام قصد فرار از تبعیدگاه دامغان، پس از شکنجه فراوان به تهران انتقال داده و به این سلول آوردند. قریب دو ماه مرا لخت و عریان بدون ملاقات در این سلول زندانی کردند. یکی روز با عجله مرا از آن سلول خارج کردند و به سلول مقابل آن که دارای تختخواب کثیفی بود، منتقل نمودند و دکتر ارانی را به جای من برای دادن شکنجه و عذاب به این سلول آوردند. اتهام دکتر ارانی این بود که یادداشتی برای رفقای خود نوشته بود دائر به اینکه: "بایستی بر علیه جریان شنا و مبارزه کرد". در مواقعی که پاسبان نبود، من و دکتر از بالای پنجره سلول به زبان فرانسه مذاکره و صحبت می نمودیم. دکتر ارانی مرا با وضع بین المللی آشنا کرد و چگونگی وضع حزب و ۵۳ نفر را به اطلاع می رساند.

دکتر ارانی به واسطه سرسختی و پایداری و انحراف ناپذیری و مبارزه جوئی خود مورد خشم و کینه دستگاه حکومتی رضاشاهی واقع گردید. بارها او را با دستبند به زندان مجرد کشاندند.

بالاخره دژخیمان رضاشاهی تصمیم گرفتند دکتر ارانی را از پای در آورند. با نقشه قبلی و تعدد شیطانی او را در سلولی که جایگاه یک بیمار **تیفوسی** بوده انداختند، و چون دکتر ارانی به این بیماری خطرناک مبتلا شد با سخت دلی بربریت هر گونه مداوا را از او دریغ داشتند و عالماً عامداً باعث مرگ و شهید شدن دکتر ارانی در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ (۴ فوریه ۱۹۴۰) در سن ۳۸ سالگی شدند.

این روز را کارگران و حزب توده ایران روز شهیدان و روز یادبود آزادیخواهان و آزاد مردان اعلام نمودند.